



727F

727  
Fنام  
نام خانوادگی  
محل امضاءعصر جمعه  
۹۰/۱۰/۲۳جمهوری اسلامی ایران  
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
سازمان مسئولیت آموزش کشوراگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.  
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی (کد ۳۷)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	نظم فارسی (۲) - ناصر خسرو و سنایی	۲۰	۱	۲۰
۲	عربی (۱) - صرف و نحو	۲۰	۲۱	۴۰
۳	نثر فارسی (۱) - تاریخ بیهقی	۲۰	۴۱	۶۰
۴	زبان تخصصی خارجی	۳۰	۶۱	۹۰

دی ماه سال ۱۳۹۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- منظومه «سنایی آباد» که به قول استاد مدرس رضوی منتسب به سنایی است در چه موضوعی سروده شده و شاعر در سرودن آن به کدام اثر نظر داشته است؟
- (۱) مراتب انسان - احیاء علوم‌الدین غزالی  
(۲) آداب مراد و مریدی - کیمیای سعادت محمد غزالی  
(۳) رمزی و عرفانی و نوعی سفر به عالم روحانیات - احیاء علوم‌الدین غزالی  
(۴) گوشه‌هایی از زندگی شخصی شاعر و معاصرانش - کیمیای سعادت محمد غزالی
- ۲- مدار خاکستری وجود سنایی یا قطب نیمه روشن و نیمه تاریک او، به ترتیب چه کسانی پیشرو و تالی او بوده‌اند و او در این مدار چه نوع شاعری است؟
- (۱) منوچهری و ملک‌الشعرای بهاری - قصیده سرای سیاسی و اجتماعی  
(۲) ناصر خسرو و پروین اعتصامی - ناقد جامعه و بیانگر فساد اجتماعی  
(۳) ناصر خسرو و ملک‌الشعرای بهار - ناقد جامعه و اندرزگوی اخلاقی  
(۴) منوچهری و پروین اعتصامی - شاعر زهد و مثل و قلندری غزل سرا
- ۳- کدام بیت، اشاره به آیه: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ دارد؟
- (۱) انکار خدا مکن که بازی نبود  
(۲) آسمان‌ها، چون زمین مرکب دربان توست  
(۳) تو پنداری که بر بازی است این میدان چون مینو  
(۴) تو اندر وقت بخشیدن، جهان را مختصر داری
- ۴- کدام عبارت معنی صحیح بیت زیر، است؟
- «زبهر کشت آنجا راست، اینجا، کشتن آدم زبهر زاد آنجا راسته اینجا، زادن حوا»
- (۱) نابودی آدم به خاطر قیامت بود و زادن حوا هم به خاطر توشه‌ی آخرت بود  
(۲) آدم را به خاطر دین آفرید و نسل او را پرورش داد و فرزندان حوا را به خاطر توشه‌ی آخرت به وجود آورد.  
(۳) زادن و مردن انسان‌ها بیهوده نبود. در این جهان پرورش می‌یابند و با توشه‌ای فراوان به دیار باقی می‌شتابند.  
(۴) تناسل آدم در این جهان برای آخرت است و زادن حوا برای آن است که فرزندان او راه آخرت فراهم آورند.
- ۵- کدام واژه در معنی تک تک رفتن اسب، به تک درآمدن تکاور و یا نوعی از دویدن اسب آمده است؟
- (۱) خَبَب (۲) جَلَب (۳) نَدَب (۴) مَوْتَهَب
- ۶- در کدام بیت، آرایه‌های، کنایه، تشخیص، جناس و مراعات نظیر، وجود ندارد؟
- (۱) گر خطر داری، زحق‌دان، ورنه داری زوطلب  
(۲) تاتو در زیر غبار آرزو داری قرار  
(۳) دیو هم کاسه بود بر سفره تا وهم و خیال  
(۴) در مصاف خشم و شهوت چشم دل پوشیده‌دار
- ۷- وزن عروضی بیت زیر کدام است؟
- «امروز، من، ز دی بس و بسیار بدترم فردا مبادا گریه بود او، من مبادمی»
- (۱) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلن  
(۲) مفعول فاعلاتن مفعول فاعلن  
(۳) مستعلن مفاعلهن مستعلن فعل  
(۴) مستعلن مفاعلهن مستعلن فعل

- ۸- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟  
 (۱) سر به خاک آورد امروز آنکه افسر داشتت دی  
 تن به دوزخ برد امسال، آنکه گردن بود پار  
 (۲) سرآلب ارسلان دیدی زرفعت رفته برگردون؟  
 برو تا هم کنون در گل تن آلب ارسلان بینی  
 (۳) که گر عرشی به فرش آیی و گرماهی به چاه افتی  
 وگر بحری تهی گردی، وگر باغی خزان بینی  
 (۴) در جهان شاهان بسی بودند کز گردون ملک  
 تیرشان پروین گسل بود و ستان جوز افکار
- ۹- بیت زیر با همه ابیات به استثنای بیت ..... ارتباط مفهومی دارد.  
 «تو را زکنگرة عرش می‌زنند صغیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده‌ست»  
 (۱) تومانی و بد و نیکت، چوزین عالم برون رفتی  
 نیاید با تو در خاکت نه فغفوری نه خاقانی  
 (۲) کی آیی همچو مار چرخ، از این عالم برون تاتو  
 بسان کژدم بی‌دم در این بیروزه پنگانی  
 (۳) در این کهپایه چون گردی برآخور چون خر عیسی  
 به سوی عالم جان شو که چون عیسی همه جانی  
 (۴) چرا در عالم عقلی نبری چون ملایک تو  
 چرا چون انسی و جنی در آندوه تن و جانی
- ۱۰- بیت زیر با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟  
 «طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست»  
 (۱) هر نمازی و طاعتی که توراست  
 گندنائی نیرزد ار به ریاست  
 (۲) طاعتی را که بی‌ریا بنیاد  
 ننهی جمله باد باشد باد  
 (۳) در دل دوست به هر حیلرههی باید کرد  
 طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد  
 (۴) به وقت خدمت یزدان دلت را راست کن قبله  
 از آن کاین کاردل باشد، نباشد کار پیشانی
- ۱۱- ناصر خسرو در قصیده «اعترافیه» شرح وارد شدن خود را به مصر برای ملاقات کدام مبلغ دینی و مذهب شیعه اسماعیلی بیان کرده است؟  
 (۱) ابوالعلا معری (۲) علی نسائی (۳) قطران تبریزی (۴) مؤید شیرازی
- ۱۲- مفهوم تقدیرگرایی و تسلیم محض پروردگار بودن، در همه ابیات به جز بیت ..... یافت می‌شود.  
 (۱) اگر کار بوده‌ست و رفته قلم  
 چرا خورد باید به بیهوده غم  
 (۲) به نامه درون جمله نیکی نویس  
 که در دست توست ای برادر قلم  
 (۳) عقوبت محال است اگر بت پرست  
 به فرمان ایزد پرستد صنم  
 (۴) ستم کار زی تو خداست اگر  
 به دست تو او کرد بر من ستم
- ۱۳- آرایه مقابل کدام بیت، نادرست است؟  
 (۱) مرد را سودای دانش در دل و در سر شود  
 چو ننگ و عار نادانی به دل صفرا کند (تسبیح الصفات)  
 (۲) آب ار بشودتان به طمع باک ندارید  
 مانند ستوران سپس آب و گیائید (جناس تام)  
 (۳) روی بستان را چون چهرة دلبندان  
 از شکوفه رخ و از سبزه عذار آید (تشبیه ضمنی)  
 (۴) باغ را از دی کافور نثار آمد  
 چون بهار آید لؤلؤش نثار آید (استعاره)
- ۱۴- در همه ابیات به استثنای بیت ..... حذف جواب شرط رعایت شده است.  
 (۱) اگر بار خورد داری، وگسرنی  
 سپیداری، سپیداری، سپیدار  
 (۲) اگر تو میل محبت کنی وگر نکنی  
 من از تو روی نییچم که مستحب منی  
 (۳) وگر گرفتار بی‌کردار داری  
 چو زر اندود دیناری به دیدار  
 (۴) اگر به شرط وفا دوستی به جا آرد  
 و گرنه دوست نباشد تو نیز دست بدار

- ۱۵- در کدام بیت به حدیث ثقلین «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي ...» اشاره شده است؟
- (۱) گوئید که تو حجت فرزند رسولی  
 (۲) فردا به پیمبر به چه شائید که امروز  
 (۳) سوی حکما قدر شما سخت بزرگ است  
 (۴) فرزند رسول است خداوند حکیمان
- زین درد همه ساله به رنجید و بلائید  
 اینجا به یکی بنده فرزند نشائید  
 زیرا که به حکمت سبب بودش مائید  
 امروز شما بی خردان و ضعفائید
- ۱۶- بیت: «چو بد کردی مباحش ایمن ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات» با همه ابیات به استثنای بیت ..... تناسب مفهومی دارد.
- (۱) این جهان بسی و فسا را برگزید و بدگزید  
 (۲) بس بی آراما که بستد زوبی آرامی جهان  
 (۳) گر مکافات بدی اندر طبیعت واجب است  
 (۴) گشت بدبخت جهان و شد به نفرین و خزی
- لاجرم بر دست خویش ار بد گزید او خود گزید  
 تا بیارامید و خود هرگز زمانی نارمید  
 چون تو از دنیا چریدی او تو را خواهد چرید  
 هر که او را دیو دنیا جوی در پهلو خزید
- ۱۷- معنی صحیح واژه‌های: «نَصَب، هَرَب، عَطَب، كَرَب، حَطَب» به ترتیب کدام است؟
- (۱) رنج، فرار، هلاک، اندوه، هیزم  
 (۲) تعب، ویران، نیستی، ریسمان، خرما  
 (۳) بدگویی، گریز، فنا، رنج، لیف خرما  
 (۴) زشتی، فراری، فدا شدن، غم، هیمه
- مفهوم کنایی عبارت «بوق در هزیمت زدن» در بیت زیر، کدام است؟
- «در هزیمت چون زنی بوق ار بجایستت خرد؟  
 و ر نه ای همچون چرا می پای کوبی در سَرَب؟»
- (۱) فرار کردن (۲) جهل و نادانی (۳) شادی کردن (۴) کار بیهوده کردن
- ۱۹- کدام بیت، بیانگر مفهوم عبارت «الْمُؤْمِنُ لَا يَكُونُ ظَالِمًا وَ لَا مَظْلُومًا» نیست؟
- (۱) آزار مگیر از کس و بر خیره میازار  
 (۲) پر کینه مباحش از همگان دایم چون خار  
 (۳) با هر کس منشین و مَبَر از همگان نیز  
 (۴) آن روز بیابند همه خلق مکافات
- کس را، مگر از روی مکافات مساوا  
 نه نیز به یکباره زبون باش چو خرما  
 بر راه خرد رو نه مگس باش نه عنقا  
 هم ظالم و هم عادل بی هیچ مُحابا
- ۲۰- با توجه به ابیات:
- «عالم قدیم نیست سوی دانا مشنو مُحال دهری شیدا را  
 چندین هزار بوی و مزه و صورت بر دهریان بس است گوا ما را»
- ناصر خسرو در همه ابیات به استثنای بیت ..... استدلالی بر ضد دهریان که جهان را قدیم می دانستند، می آورد.
- (۱) خود چنین بر شد بلند از ذات خویش  
 (۲) یا کسی دیگر مراورا برکشید  
 (۳) ای به خور مشغول دایم چون نبات  
 (۴) جسم بی صانع کجا یابد هگرز
- خیره خیر این نیلگون بی در کلات؟  
 آنکه کرسی می اوست چرخ ثبات؟  
 چیست نزد تو خیر زین دایرات؟  
 شکل و رنگ و هیأت و جنبش به ذات؟

## ■ ■ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ (٢١ - ٢٥)

٢١- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾:

- (١) الَّذِي: موصول خاصّ - للمفرد المنكّر - معرفة - مبني على السكون/ نعت مفرد و حقيقي (مؤول بالمشتق) و مرفوع محلاً بالتبعية للمنعوت «الله»  
 (٢) أَيَّامٌ: جمع تكسير (مفردة: يوم، منكّر) - جامد و غير مصدر - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / تمييز نسبة و منصوب محلاً  
 (٣) اللهُ: لفظ الجلالة - اسم - مفرد منكّر - معرفة علم - معرب - صحيح الآخر - منصرف/عطف بيان و منصوب بالتبعية للمعطوف عليه «ربّ»

- (٤) سِتَّةٌ: اسم - من الأعداد المفردة الترتيبية - مفرد منكّر - نكرة مخصّصة - معرب - ممنوع من الصرف/ مجرور بحرف الجرّ، في ستة: جار ومجرور  
 ٢٢- « فليكن أحبّ الذخائر إليّك ذخيرة العمل الصالح! »:

- (١) يكن: مضارع - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص ( له الإعلال بالإسكان ثمّ الحذف)/ فعل مجزوم بحذف حرف العلة، اسمه «ذخيرة»  
 (٢) أحبّ: فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي من باب إفعال - صحيح و مضاعف (إدغامه واجب) / فعل و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً، تقديره «هو»

- (٣) ذخائر: جمع تكسير (مفردة: ذخيرة، مؤنث) - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف (منتهى الجموع)/ مضاف إليه و مجرور بالكسر بسبب أنّه محطّى بأل  
 (٤) ذخيرة: مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبهة (و هي فعيل بمعنى مفعول) - معرّف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر/ متبدأ مؤخّر و مرفوع، و الجملة اسمية

٢٣- « ما أخسر المشقّة وراءها العقاب، و أربح الدعة معها الأمان من النار! »:

- (١) أخسر: فعل جامد على وزن الماضي لإنشاء التعجّب - صحيح و سالم / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر فيه جوازاً و مرجعه «العقاب» و الجملة فعلية و خبر  
 (٢) وراء: اسم - مفرد منكّر - معرب - ممدود - منصرف / ظرف أو مفعول فيه للمكان، متعلّقه محذوف، و شبه الجملة خبر مقدّم و مرفوع محلاً  
 (٣) العقاب: جامد و مصدر - معرّف بأل / مبتدأ مؤخّر و مرفوع، و الجملة اسمية، و نعت و منصوب محلاً بالتبعية للمنعوت «المشقّة»  
 (٤) الدعة: مفرد مؤنث - مشتق و صفة مشبهة - معرب - صحيح الآخر - منصرف/متعجّب منه و مرفوع على أنّه فاعل لفعل «أربح»

- ٢٤- « إتما يكون عاقلاً من اتعظ بأمثولات الدهر و لم يكن لغيره عبرة! »:
- (١) عبرة: مفرد مؤنث - جامد و غير مصدر - نكرة - معرب - منصرف/اسم «كان» المؤخر و مرفوع
- (٢) من: اسم غير متصرف - موصول عامّ أو مشترك - معرفة - مبني على السكون/ خبر «كان» و منصوب محلاً
- (٣) إتما: حرف من أدوات التأكيد - عامل - مبني على السكون؛ و هي مؤلّفة من «إن» المشبهة بالفعل، و «ما» الزائدة
- (٤) اتعظ: مزيد ثلاثي من باب افتعال - معتل و مثال ( له الإعلال و الإبدال) - لازم / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر، و الجملة فعلية و صلة و عاندها الضمير المستتر
- ٢٥- « لا شك أن الأستاذ و الطالب كليهما مسؤول بشأن الدراسات العليا! »:
- (١) كليهما: اسم - ملحق بالمتنى للمذكر - معرف بالإضافة - معرب - منقوص / مؤكّد لفظي و مجرور بالياء بالتبعية
- (٢) شك: مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبهة - نكرة/اسم «لا» النافية للجنس، و مبني على الفتح ببناء عرضي و منصوب محلاً، و خبره «مسؤول»
- (٣) العليا: اسم - مفرد مؤنث - مشتق و اسم تفضيل (مصدره: علو) - معرب - مقصور - ممنوع من الصرف / نعت و مجرور بكسرة مقدّرة بالتبعية للمنغوت
- (٤) شأن: جامد و غير مصدر - معرف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر - ممنوع من الصرف/ مجرور بحرف الجرّ؛ بشأن: جارو مجرور و متعلّقهما شبه فعل «مسؤول»
- ■ عيّن الصحيح في التشكيل (٢٦ - ٢٨)
- ٢٦- « ان الله قد أعادكم من أن يجور عليكم و لم يعذكم من أن يبتليكم! »:
- (١) إن - الله - أن - يُعذِّكم (٢) يَجُور - يُعذِّ - من أن - يبتلي
- (٣) أعادَ - يُجورَ - يُعذِّ - يبتلي (٤) أن - الله - أعادكم - يجور
- ٢٧- « دخلت الصف و إذا الطالبات تدرسهن الأستاذة بأسلوب جديد! »:
- (١) الطَّلِبَاتُ - تُدرِّسُهُنَّ - الأُسْتَاذَةُ - جَدِيدٌ (٢) الصَّفَّ - إِذَا - الطَّلِبَاتِ - تُدرِّسُهُنَّ
- (٣) وَإِذَا - الطَّلِبَاتُ - تُدرِّسُهُنَّ - أُسْلُوبٌ (٤) دَخَلْتُ - الصَّفَّ - الطَّلِبَاتِ - الأُسْتَاذَةُ
- ٢٨- « يا أعدل الناس إلا في معاملتي فيك الخصام و أنت الخصم و الحكم! »:
- (١) أَعْدَلَ - النَّاسِ - مُعَامِلَةً - فِيكَ (٢) النَّاسِ - إِلَّا - الْخِصَامَ - أَنْتَ
- (٣) مُعَامِلَتِي - الْخِصَامُ - الْخِصْمُ - الْحَكْمُ (٤) فِيكَ - أَنْتَ - الْخِصْمُ - الْحَكْمُ

## ■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۲۹ - ۳۶)

-۲۹ « لا تتكاسلن في الدروس ..... ». عین الخطأ للفراغ:

(۱) أيتها الطالبة! (۲) أيتها الطالبات! (۳) أيها الطلبة! (۴) أيها الطالب!

-۳۰ عین الخطأ في النسبة:

(۱) مصطفى ← مصطفوي/دنیا ← دنياوي  
(۲) سماء ← سمائي/مرتضى ← مرتضي  
(۳) دنيا ← دنبي/قاضي ← قاضي  
(۴) صحراء ← صحراوي/سماء ← سماوي

-۳۱ عین الممنوع من الصرف كله:

(۱) أربع - مدارس - قتلى - تليفون  
(۲) أكرم - أجامر - مرتضى - إبراهيم  
(۳) تلفزيون - مقاتر - فضلاء - جوعان  
(۴) رمضان - أكابر - زينب - جوعى

-۳۲ عین الخطأ:

(۱) هذه الطفلة أكبر من تلك سناً!  
(۲) إن أختك فضلى الطالبات في الصف!  
(۳) إن أختك كبرى من أختي سناً!  
(۴) هذه الطالبة أفضل طالبات في الصف!

-۳۳ عین ما ليس فيه ضمير الفصل أو العماد:

(۱) الطالب هو درس فنجح!  
(۲) أولئك هم الذين هداهم الله!  
(۳) زميلتي هي التي نجحت في الامتحان!  
(۴) إن الصادق هو المؤمن بالله!

-۳۴ عین الخطأ:

(۱) نحن شاكران أطفافكم! (۲) نحن شاكرون أطفافك! (۳) إنا شاكرتان أطفافكم! (۴) إنا شاكرات أطفافك!

-۳۵ عین الخطأ :

(۱) حذار الكذب و الغش أيها المسلم!  
(۲) أيها الطالب الإنسان، بله الرياء و الخداع!  
(۳) الكذب و الغش اجتنبه أيها المسلم!  
(۴) الرياء و الخداع حذار أيها الإنسان!

-۳۶ عین المنادى معرباً منصوباً:

(۱) يا طالبة؛ أتركي هذا المكان!  
(۲) أيها المجتهد؛ ستجرح في حياتك!  
(۳) فاطمة؛ احفظي دروسك جيداً!  
(۴) يا كاتبة مقالات عديدة؛ أحسنت في كتابتك!

## ■ ■ عین الأصح و الأدق في الجواب على حسب تطبيق القواعد (۳۷ - ۴۰)

-۳۷ « من شاهدته صادقاً في عمله فهو المؤمن! »:

(۱) آنکس که در کردار صادق دیده شود، اوست مؤمن!  
(۲) هرکس را صادق در کردار خویش ببینی، اوست مؤمن!  
(۳) هرکه را که در عمل خود صادق دیدی، او مؤمن است!  
(۴) کسی را که صادق در عمل خویش دیدی، او مؤمن است!

۳۸- « هَبِ الْبُؤَابَ نَائِمًا، فَكَيْفَ نَدخُلُ الْمَبِيتَ؟! »:

- ۱) فرض کن دربان خواب باشد، چگونه داخل خوابگاه شویم؟!
  - ۲) نگهبان اگر در خواب باشد، به چه وسیله به خوابگاه وارد شویم؟!
  - ۳) گمان می‌کنم دربان غرق خواب است، چگونه وارد خوابگاه بشویم؟!
  - ۴) فکر می‌کنم نگهبان خفته باشد، به چه وسیله به خوابگاه داخل شویم؟!
- ۳۹- « مادر وقتی شنید طفلش غش کرده و از حال رفته، نزدیک بود دیوانه شود! »:

- ۱) کادت أمه تُصابُ بجنون، لَمَّا سمعت أنَ الطفلَ أُغميَ عليه و غشي!
  - ۲) کادت الأمُ تُصابُ بالجنون، عندما سمعت غشي و إغماءَ الطفل!
  - ۳) عندما سمعت الأمُ أنَ طفلها غشي و أُغميَ عليه کادت أنَ تُجن!
  - ۴) لَمَّا سمعت أمه أنَ الطفلَ غشي و أُغميَ عليه کادت أنَ تُجن!
- ۴۰- « دوازده تابلو روی دیوار است، و من فقط تابلو هشتم را از بین آنها می‌پسندم! »:

- ۱) اثنا عشر لوحة على الحائط، و يعجبني الثامن من بينها فقط!
- ۲) اثنا عشرة لوحة على الجدار، و لم تعجبني من بينها إلا اللوحة الثامنة!
- ۳) هناك اثنتي عشر لوحة على الحائط، و تعجبني اللوحة الثامنة منها فقط!
- ۴) هناك اثنا عشرة لوحة على الجدار، و لا يعجبني منها إلا اللوحة الثامنة!

#### نثر فارسی (۱) - تاریخ بیهقی

- ۴۱- معنی واژه‌های «مقرمط، خیاره، ضیعی، نقیب، ثقه، منقاد، ثغر، نهمت» به ترتیب کدام‌اند؟
- ۱) خط ریز و نازک، برگزیده، مردم فرودست، مهتر، معتمد، رام، مرز، مراد
  - ۲) خط ریز و نازک، انتخاب، سنگین، جلودار لشکر، درستی، رام کردن، مرز، مراد
  - ۳) نام فرقه‌ای است، منتخب، پست، رئیس، مورد اعتماد، رام کردن، حد، آرزو
  - ۴) نام فرقه‌ای است، انتخاب شده، مردم فرودست، نقابدار، درستی، رام، حاشیه، درد و رنج

۴۲- معنی چند واژه در کمانک مقابل آن درست است؟

(حوراء: سیه چشمان سپید اندام)، (فطیم: از شیر بازگرفته)، (کرزه: افعی)، (قویم: تنومند)، (تَسخَب: ناز کردن)، (مترَبد: متغییر از خشم)، (مغلظ: مؤکد)، (سَقَط: افتادن)، (ناچخ: تبرزین)، (سدید: استوار رأی)

(۴) هشت

(۳) هفت

(۲) شش

(۱) پنج



- ۴۳- از دیدگاه استاد خطیب رهبر عبارت «آن را تویع کرد و نزد وی بردند با چهل و اند پاره نامه توقیعی که من نبشتم که بوالفضل آن همه و نسخت آن استادم کرد.» بیانگر کدام ویژگی «ابوالفضل بیهقی» است؟  
 (۱) علاوه بر فضیلت‌های دیگر، خطی نیکو داشته است.  
 (۲) در تدوین و جمع‌آوری رسایل دربار سهم عظیمی داشته است.  
 (۳) یکی از نویسندگان شایسته دربار سلطان محمود بوده است.  
 (۴) علاوه بر هنر تاریخ‌نویسی، در ادبیات سرآمد روزگار خویش بوده است.
- ۴۴- کدام مورد از مختصات سبک نثر فارسی در دوره غزنوی و سلجوقی اول محسوب نمی‌شود؟  
 (۱) استعمال مفردات عربی بیش از دوره قبل با حفظ حدود زبان فارسی از ورود لغات دشوار و متکلف عربی.  
 (۲) شروع به استعمال آیات و احادیث و اشعار و امثله و استعارات برای آراستن کلام در حدی متعارف و خالی از تکلف.  
 (۳) به کار بردن سجع که نثر فارسی برای قبول و استعمال آن کاملاً آمادگی داشت و مراعات این صنعت که مفردات لغوی بیشتری را از زبان عربی در پی داشت.  
 (۴) روش ایجاز و مساوات در این دوره تا حدودی جای خود را به اطناب می‌سپرد و از این حیث نثر را در حد فاصل سبک ساده قدیم و سبک فنی دوره بعد قرار می‌دهد.
- ۴۵- مرجع ضمیر «وی» در عبارت «اگر کسی از خدمتگاران خاندان و جز ایشان در وی سخنی ناهموار گوید، چه هر چه گویند، به اصل بزرگ بازگردد.» کیست؟ و مراد از «اصل بزرگ» چه کسی است؟  
 (۱) امیر مسعود - سلطان محمود غزنوی  
 (۲) امیر ابواحمد محمد - سلطان مسعود غزنوی  
 (۳) سلطان محمود غزنوی - شجره خاندان بزرگ غزنوی  
 (۴) امیر ابواحمد محمد - شجره خاندان بزرگ غزنوی
- ۴۶- همه‌ی موارد به استثنای ..... از نکات صرف و نحو زبان فارسی در تاریخ بیهقی درست ذکر شده است.  
 (۱) تقدیم مضاف‌الیه بر صفت مضاف  
 (۲) گاه «که» موصول را به جای «چه» به کار می‌برد.  
 (۳) ضمایر «او» و «ایشان» و «وی» را در غیر ذوی‌العقول به کار می‌برد  
 (۴) گاه بر سر اسمی که پیش از «که» موصول آمده، «این» صفت اشاره افزوده است.
- ۴۷- کاربرد «را» در عبارت: «گفت: خواجه چرا تن درین کار نمی‌دهد؟ و داند که ما را به جای پدر است و مهمات بسیار پیش داریم.» با کدام عبارت یکسان است؟  
 (۱) خلوت‌های امیر با وی و عبدوس بیشتر می‌بود. در میان، این دو تن را خیاره کرده بودند و هر دو با یکدیگر بد بودند.  
 (۲) بوسهل را گفته بود «من پیر شدم و از من این کار نباید، بوسهل حمدوی، مردی کافی و دریافته است وی را عارض باید کرد.»  
 (۳) پس گفتم: من در این میانه به چه کارم؟ بوسهل بسنده است و از وی به جان آمده‌ام، گفت: از این میندیش، مرا بر تو اعتماد است.  
 (۴) سارغ بازگشت و خواجه بزرگ خوش خوش به بلخ آمد و در خدمت امیر آمد و خدمت کرد و تواضع و بندگی نمود، و امیر او را گرم بپرسید.

- ۴۸- نوع واژه‌های «زراندود، تفت، زوزنی، بناوا، بعینه، نیکو گفت» از نظر دستوری کدام‌اند؟  
 (۱) صفت فاعلی مرکب مرخم، صفت، صفت نسبی، قید، متمم قیدی، اسم مصدر  
 (۲) صفت مفعولی، قید روش و صفت، اسم، صفت پیشوندی، متمم، مصدر مرخم  
 (۳) صفت فاعلی مرکب مرخم، صفت، صفت نسبی، قید، متمم قیدی، اسم مصدر  
 (۴) صفت مفعولی مرکب مرخم، قید روش و وصف، صفت نسبی، صفت پیشوندی، متمم قیدی، مصدر مرخم
- ۴۹- در کدام گروه کلمه «غلط املائی» وجود ندارد؟  
 (۱) آنها و پنهانی، بونصر طیفور، رهینه و گروگان، تراد و سنان  
 (۲) عاجل الحال، مستظهر و قوی پشت، عقبله و مانع، شتط و بی‌اعتدالی  
 (۳) اخرسین و اصمین، یغمر و بوقم، قودقش و جنیبت کش، ولات قُصدار  
 (۴) حوائج کشان وثاق‌ها، کتاق بار و ریسمان، بثر غوزک، خریطه‌ی دیبای سیاه
- ۵۰- معنی واژه‌ی «دستوری» در عبارت: «قوم به جمله بپراگندند و ساختن گرفتند تا سوی هرات بروند که حاجب دستوری داد رفتن را.» با همی اییات به جز بیت ..... یکسان است.  
 (۱) دستوری خواهی از خداوند کسز درگه شه مکنان ندیدست  
 (۲) بدو گفت قیصر که جاوید زی که دستوری خسروان را سزی  
 (۳) به تدبیر پیران بسیار سال به دستوری اختر نیک فال  
 (۴) دوستان دختر رز توبه ز مستوری کرد شد سوی محتسب و کار به دستوری کرد
- ۵۱- مفهوم «قول» در عبارت: «امیر، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، تَثَبُّطُ فِرَوْنَشَانْد و در مجلس چند قول آن روز بشنود از من؛ و هر روز به تدریج و ترتیب چیزی زیادت می‌شد.» با کدام بیت یکسان است؟  
 (۱) قول سه کس نیست به دهر استوار شاعر و قرعه‌زن و اختر شمار  
 (۲) قول و عمل چیست جز ترازوی دینی قول و عمل ورز و راست‌دار زبانه  
 (۳) ساقیم گوید که می‌خور ناصحم گوید مخور قول ساقی بشنوم یا پند ناصح؟ چون کنم  
 (۴) من که قول ناصحان را خواند می‌قول رباب گوشمالی دیدم از هجران که اینم پند پس
- ۵۲- در همی عبارات به جز عبارت ..... مفهوم کنایی یافت می‌شود.  
 (۱) با خود گفتم: این چنین مرداری و نیم کافری بر من چنین استخفاف می‌کند و چنین گراف می‌گوید مرا چرا باید کشید؟  
 (۲) پس گفتم: بودلف بنده خداوند است و سوار عرب است و مقرر است که وی در ولایت جبال چه کرد و چند اثر نمود.  
 (۳) چون به خادم رسیدم، به حالی بودم عرق بر من نشسته و دم بر من چیره شده، مرا بار خواست و در رفتم و بنشستم.  
 (۴) چون امیر محمود گذشته شد و پیلبان از سر پیل دور شد، امیرمحمد به غزنین آمد و بر تخت ملک بنشست و رفت آن کارها.
- ۵۳- اگر اییات زیر را به لحاظ داشتن آرایه‌های «تضاد، تلمیح، تشخیص، مجاز، تشبیه» از بالا به پایین مرتب کنیم، کدام ترتیب صحیح است؟  
 الف) فلک به چشم بزرگی کند نگاه در آنک بهانه هیچ نی‌آورد ز بهر خردی کار  
 ب) بزرگ باش و مشو تنگدل ز خردی کار کسه سال تا سال آرد گلی زمانه ز خار  
 ج) به قاب قوسین آن را برد خدای که او سبک شمارد در چشم خویش وحشت غار  
 د) به شهر غزنین از مرد و زن نبود دو تن که یک زمان بود از خمر شوق او هشیار  
 ه) یکی در آنکه جگر گردد از بی‌حمیت یکی در آنکه زبان گردد از بی‌زهار
- (۱) الف، ب، ه، د، ج (۲) الف، ب، ج، د، ه (۳) ب، ج، الف، ه، د (۴) ب، ج، ه، الف، د

۵۴- ابیات «صد هزار آفرین ربّ علیم بساد بر ابر رحمت ابراهیم  
آفتاب ملوک هفت اقلیم که بدو نو شد این جلال قدیم»  
از قصیده‌ی غرّای بوحنیفه اسکافی در بزرگداشت همی شخصیت‌های «تاریخ بیهقی» به استثنای ..... سروده شده است.

(۱) گذشته شدن سلطان محمود  
(۲) گذشته شدن خلیفه القادر بالله  
(۳) آمدن امیرمحمود بر تخت  
(۴) مملکت گرفتن سلطان مسعود

۵۵- مفهوم عبارت: «بزرگی این پادشاه یکی آن بود که چون به سرای امارت رسید اولیاء و حشم و کافّة مردم را بر ترتیب و تقریب و نواخت بر اندازه بداشت، چنان که حال سیاست و درجه ملک آن اقتضا کرد و در اشارت و سخن گفتن به جهانیان معنی جهاننداری نمود و ظاهر گردانید.» با همی ابیات به استثنای بیت ..... تناسب دارد.

(۱) شاه باید که گیرد از سر هوش بر جهان چشم و بر رعیت گوش  
(۲) شاه بی‌شهر چون ستاند باج شهر بی ده زبون شود ز خراج  
(۳) شاه عادل چو کشتی نوح است که از او امن و راحت روح است  
(۴) پادشه یاسبان درویش است گرچه رامش به فر دولت اوست

۵۶- مفهوم حدیث «الْمُؤْمِنُ مِرْآةُ الْمُؤْمِنِ» از مصطفی علیه السلام با کدام عبارت یکسان است؟  
(۱) بسیار خردمند باشد که مردم را بر آن دارد که بر راه صواب بروند، اما خود بر آن راه که نموده است نرود.  
(۲) پس اگر مرد از قوه عزم خویش مساعدتی تمام نیابد، تنی چند بگزیند هر چه ناصح‌تر و فاضل‌تر که او را باز می‌نمایند عیب‌های وی.

(۳) مرد خردمند با عزم و حزم آن است که او به رأی روشن خویش بدل یکی بود با جمعیت و حمیت آرزوی محال را بنشانند.  
(۴) و نیز فیلسوفان هستند - و ایشان را طیبیان اخلاق دانند - که نهی کنند از کارهای سخت زشت و جایگاه چون شود، آن کار بکنند.

۵۷- مفهوم عبارت: «مردم زبان بر بوسهل دراز کردند که زده و افتاده را توان زد، مرد آن است که گفته‌اند: أَلْعَفُو عِنْدَ الْقُدْرَةِ» از همی ابیات به جز بیت ..... دریافت می‌شود.

(۱) سخن آخر به دهان می‌گذرد مودی را سخنش تلخ نخواهی دهنش شیرین کن  
(۲) بسدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی ما اساء  
(۳) خطای بندگان باید به هر حال که تا پیدا شود عفو بزرگان  
(۴) هر که بخراشدت جگر به جفا همچو کان کریم زر بخشش

۵۸- مفهوم متن «امروز طمع فرمان بردن و بر تخت نشستن و مال‌های بگزارف از خزائن اطلاق کردن و بخشیدن کی راست آید که وی گشاده باشد؟ که دو تیغ بهیچ حال، در یک نیام نتواند بود و نتوان نهاد که ننگجد.» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟

(۱) به یک تا جور تخت باشد بلند چو افزون شود ملک باید گزند  
(۲) صد خورنده گنجد اندر گرد خوان دو ریاست جو ننگجد در جهان  
(۳) بزم دو جمشید مقامی که دید جای دو شمشیر نیامی که دید  
(۴) کد خدایی خدایی است به رنج خاصه آن را که نیست نعمت و گنج

۵۹- مفهوم عبارت: «در قدیم الدهر مردی بوده است نام وی زبرقان بن بدر» با نعمتی سخت بزرگ، و عادت این داشت که خود خورده و خود پوشیدی، به کس نرسیدی. با کدام بیت تناسب دارد؟

(۱) إِذَا تَشَدُّ لِقَوْمٍ عَقْدٌ مَهْلِكِهِمْ لَا قُوَا زَمَانًا لِعَقْدِ الْمَلِكِ خَلَا لَا

(۲) يَا رَاقِدَ اللَّسِيلِ مَسْرُورًا بِأَوْلِيهِ إِنَّ الْحَوَادِثَ قَدْ يَطْرُقُنَّ اسْحَارًا

(۳) دَعِ الْمَكَارِمَ لِاتْرَحَلْ لِبُغْيَتِهَا وَاقْعُدْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الطَّاعِمُ الْكَاسِي

(۴) ذَكَرَ الْفَتَى عُمَرُ الْثَانِي وَحَاجَتَهُ مَا قَاتَهُ وَفُضُولُ الْغَيْشِ أَشْغَالُ

۶۰- مفهوم بیت: «وَإِنَّ امْرَأً قَدْ سَارَ سَبْعِينَ حِجَّةً إِلَى مَنْهَلٍ مِّنْ وَرْدِهِ لَقَرِيبٌ» با کدام بیت متناسب نیست؟

(۱) اگر عـمـر باشد هزار و دویست یـه جز خاک تیره ترا جای نیست

(۲) ز هـفـتاد برنگذرد بس کسی ز دوران چـرخ آزمـودم بسی

(۳) گفتم که تو ای عمر چرا زود برفتی گفتا که فلانی چه کنم عمر همین بود

(۴) تماش بکشتم به سنگ آن خبیث کـه از مرده دیگر نیاید حدیث

زبان تخصصی خارجی

## PART A: Vocabulary

**Directions:** Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

- 61- Many neoclassic critics thought of the form of a work as a ----- of component parts, put together according to the principle of decorum.  
1) founding                      2) conception                      3) combination                      4) development
- 62- A short story is a work of prose fiction, and most of the terms for analyzing the component parts, the types, and the various narrative techniques of the novel are ----- to the short story as well.  
1) applicable                      2) appealing                      3) visionary                      4) whimsical
- 63- Immanentism is any of various religious theories ----- that a deity, mind or spirit is immanent in the world and in the individual.  
1) elevating                      2) glorifying                      3) praising                      4) postulating
- 64- Odysseus of Ithaca was destined to spend ten years ----- in unknown seas before he returned to his rocky kingdom.  
1) varying                      2) eulogizing                      3) achieving                      4) wandering

- 65- The new criticism has gone far beyond older criticism in stressing imagery, in this sense, as the essential component in poetry, and as a major ----- to poetic meaning, structure, and effect.  
1) usage                      2) clue                      3) mood                      4) cluster
- 66- The name covers a great ----- of prose fiction, all the way from the short story, which is a slightly elaborated anecdote of perhaps 500 words, to such long and complex forms as Conrad's Heart of Darkness.  
1) diversity                      2) multiplicity                      3) perception                      4) treatment
- 67- The human compound is formed by a body, his manifest part, a deeper soul, a still more ----- mind, and even deeper, a spirit partaking of Revelation present only in saints and prophets.  
1) secular                      2) absurd                      3) concealed                      4) devoted
- 68- In recognition of his vast knowledge and brilliant mind, the honorific title of hakim, "learned doctor", was ----- upon him by scholars.  
1) endowed                      2) bestowed                      3) supplanted                      4) converted
- 69- A disagreement with his wife about the nature of the good life and about financial matters sharpened into a ----- over his last will, which finally led to a complete break.  
1) conflict                      2) succession                      3) damnation                      4) vitality
- 70- A book's subject and its theme need to be -----: the subject is what the book is written about, its theme is the author's idea about that subject.  
1) accomplished                      2) discarded                      3) expounded                      4) distinguished

### **PART B: Cloze Test**

***Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.***

Montaigne coined the word essay when, in 1580, he gave the title Essais to his first publication. Francis Bacon, late in the 16<sup>th</sup> century, inaugurated the English use of the term in his own series of Essays, (71) ----- "Of truth", "Of Adversity", etc. Alexander pope adopted the term for his expository compositions in verse, the Essay on Criticism and the Essay on Man, (72) ----- the verse essay has had few exponents after the 18<sup>th</sup> century. Addison and Steel's Tatler and Spectator gave the prose essay (73) ----- standard modern vehicle, the literary periodical. In the early 19<sup>th</sup> century the (74) ----- of new types of magazines, gave great impetus (75) ----- the writing of essays, and made them a major department of literature.

- 71- 1) as for                      2) such as                      3) just like                      4) rather than
- 72- 1) for                      2) also                      3) but                      4) then
- 73- 1) her                      2) his                      3) its                      4) their
- 74- 1) found                      2) founding                      3) to found                      4) foundation
- 75- 1) to                      2) in                      3) of                      4) with

### **PART C: Reading Comprehension**

***Directions:* Read the following three passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.**

#### **Passage 1:**

Novels may have any kind of plot from – tragic, comic, satiric, or romantic. A distinction – which was introduced by Hawthorne (for example, in his Preface to *The House of the Seven Gables*) and has been adopted and expanded by a number of recent critics – is between two basic types of prose fiction: the novel proper and the “romance.” The realistic novel is characterized as the fictional attempt to give the effect of realism, by representing complex characters with mixed motives who are rooted in a social class, operate in a highly developed social structure, interact with many other characters, and undergo plausible and everyday modes of experience. The prose romance has as its ancestors the chivalric romance of the Middle Ages and the Gothic novel of the later eighteenth century. It typically deploys simplified characters, larger than life, who sharply discriminated as heroes and villains, masters and victims; the protagonist is often solitary, and isolated from a social context: the plot emphasizes adventure, and is often cast in the form of the quest for an ideal, or the pursuit of an enemy; and the nonrealistic and occasionally melodramatic events are sometimes claimed to project in symbolic form the primal desires hopes and terrors in the depth of the human mind, and to be therefore analogous to the materials of dream, myth, ritual, and folklore.

- 76- **The passage is mainly about -----.**  
 1) common classifications of novel types  
 2) plot forms introduced by Hawthorne  
 3) the characteristics of tragic, comic, satiric and romantic plot forms  
 4) the distinction between the realistic novel and the prose romance
- 77- **The word “motives” in line 6 is closest in meaning to -----.**  
 1) reasons                      2) conditions                      3) dreams                      4) visions
- 78- **Which of the following is NOT a characteristic of the realistic novel?**  
 1) Many-sided characters                      2) True-to-life experiences  
 3) A great emphasis on adventure                      4) Social interaction among characters
- 79- **Why does the writer mention the House of the Seven Gables?**  
 1) To explain a kind of plot form  
 2) To criticize Hawthorne’s novels  
 3) To give an example of Hawthorne’s works in which he introduced something new  
 4) To use it as an example to differentiate between two basic types of prose fiction
- 80- **According to the passage, the prose romance -----.**  
 1) dates back to the medieval period  
 2) depicts social life in a simplified manner  
 3) has a plot form which is devoid of adventure  
 4) develops the protagonist’s mind through varied social experiences

**Passage 2:**

Caroline Spurgeon, in her very influential book *\*Shakespeare's Imagery and What It Tells Us* (1935), made statistical counts of the subjects of this type of imagery in Shakespeare, and used the results as clues to Shakespeare's personal experiences, interests, and temperament. She also pointed out the frequent occurrence in Shakespeare's plays of "image-clusters" (recurrent groupings of metaphors and similes), and presented evidence that a number of the individual plays have characteristic image motif (for example, animal imagery in *King Lear*, and the figures of disease, corruption, and death in *Hamlet*); these elements she viewed as establishing the overall tonality of a play. Many critics have joined Miss Spurgeon in the search for images, image patterns, and "thematic imagery" in works of literature. By some critics the implicit interaction of the imagery, rather than the explicit statements, or the overt speeches and actions of the characters, is held to constitute the working out of the primary subject, or "theme," of many plays, and novels.

- 81- The paragraph preceding this passage most probably deals with -----.**
- |                                   |   |
|-----------------------------------|---|
| 1) Caroline Spurgeon's book       | 2) A type of imagery                      |
| 3) Imagery in works of literature | 4) Uses of imagery in Shakespeare's works |
- 82- Why does the writer mention "recurrent groupings of metaphors and similes" in lines 4 and 5?**
- 1) To define a term
  - 2) To give an example
  - 3) To give extra information
  - 4) To give the meaning of a concept in Shakespeare's work
- 83- According to the passage, in her book Spurgeon is concerned with -----.**
- 1) a new type of imagery
  - 2) how Shakespear's personal life affected his works
  - 3) statistical accounts of different types of imagery in works of literature
  - 4) an understanding of Shakespear's character by means of the imagery he used in his works
- 84- The word "primary" in line 11 is closest in meaning to -----.**
- |            |          |              |             |
|------------|----------|--------------|-------------|
| 1) visible | 2) vivid | 3) important | 4) specific |
|------------|----------|--------------|-------------|
- 85- In can be understood from the passage that -----.**
- 1) the explicit statements have advantages over imagery
  - 2) many critics were inspired by Spurgeon's research
  - 3) Spurgeon was the only critic interested in imagery
  - 4) Spurgeon believes images have no effect on the completeness of a play

